بتاریخ	یکشنبه پانزدهم محرم ۱۲۸۸
قیمت سالیانه	سی تومان شش هزار
قیمت اعلانات سطری	یکهزار دینار
دارالطباعه	در جنب مدرسه دارالفنون

ایران

نمره	اول
تقسیم روزنامه	هفته سه روز
محل فروش سرای امیر الملک حجره میرزا نجفعلی	اداره روزنامه سبزه میدان
ساعات قبول اخبار و اعلانات	دو ساعت بظهر مانده الی دو ساعت بغروب مانده

اعلانات

بمطالعه‌کنندگان روزنامه اعلان میشود که رای همایون بسته کامله اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه خلدالله ملکه و سلطانه برین تعلق یافت که عمل مطبوعات دولت علیه عموماً و عمل روزنامجات مخصوصاً ترقی نموده و در تحت قاعده منضبط کرده انتظام آنها را باین خانه زاد محول و مرجوع فرمودند این خانه زاد دولت جاوید آیت متعهد شد که در عوض هفته یکروزنامه که سابق در دارالطباعه دولتی بطبع رسیده منقسم و منتشر میشد هفته سه روزنامه که ماهی دوازده نمره باشد منتشر سازد اسم روزنامه برحسب اراده علیه همایونکار تغییر کرد روزنامه دولتی و علمی و ملتی که سابق بود مبدل بیکروزنامه شد موسوم بایران که در آن من بعد اخبار رسمی داخله و هم اخبارات رسمی و غیر رسمی خارجه و مسائل علمیه و اعلانات تجارتی و غیره مندرج خواهد بود مسئولیت این خانه زاد دولت جاوید آیت در اخبار رسمی داخله و خارجه است که درین اخبار اگر مطلبی برخلاف واقع نوشته و طبع شود این خانه زاد باید مورد مواخذه بشود اما در اخبار غیر رسمی که هر کسی آزاد است هر چه میخواهد بنویسد روزنامه نگار ابداً مسئولیت ندارد اخبار غیر رسمی چنانکه در سایر دول آزاد است درین روزنامه آزاد خواهد بود نهایت سعی و اهتمام بعمل خواهد آمد که الفاظ و عبارات اخباری که مندرج میشود از دایره ادب خارج نباشد و تمهیری اخذ شده است که از ولایات اخبار نویس صادق و با تدین وقایعات واقعه را بروزنامه نگار بنویسند که بجهت اطلاع عمومی درج و اعلان شود اسم و امضای اخبار نویس در روزنامه طبع نمیگردد دیگر درصورتیکه لزوم بهم برساند این اعلان در ابتدا منتشر میشود که من بعد مورد ایراد نباشد محمد حسن

اخبار رسمی

داخله

دربار همایون

روز غره شهر ذی‌الحجة الحرام شهر دارالخلافة الباهره بشرف ورود موکب فیروزی کوکب همایون مشرف گشته عموم اهالی مملکت بزیارت خاکپای مبارک شاهنشاهی روشنی دیده و دل حاصل نمودند

روز بیست و یکم ذی‌الحجه بعد از فراغت از بعضی امور دولتی بقصد توقف سه شب تشریف فرمای دوشان تپه شدند فردای این روز بسه پایه که شکارگاه معتبر آنجاست بشکار ارقالی تشریف بردند چون شکار ارقالی با جمعیت زیاد غیر مقدور است باین سبب زیاده از چهار نفر که دو نفر سواره و دو پیاده بودند دیگری شرف التزام رکاب مبارک نداشت ذات همایون شاهنشاهی همینکه برای شکار ارقالی پیاده شدند غفلتاً از مقابل پلنگی بیرون آمد بارقالی التفات و اعتنا نفرموده با دو نفر سوار که همراه بود پلنگ را تعاقب کردند پلنگ مضطراً در پشت سنگی پنهان شد چون جمعیت کم بود ممکن نمیشد اطراف پلنگ را گرفته بطور جرگ او را حرکت دهند مهدیقلی میرشکار که اینجا حاضر رکاب بود باشاره علیه همایونی مامور شده شکارچیان و تفنگداران و غیرهم را که نزدیکی شکارگاه عقب مانده بودند خبر کرده پیاده و بعد از نیم ساعت قریب ده سوار رسیدند بفاصله اطراف پلنگ را احاطه کرده مذکور را و فرار پلنگ مسدود باشد اعلیحضرت شاهنشاهی بیک تیر گلوله سر پلنگ را نشانه فرموده انداختند سنگ مانع شده از تفنگ آسیبی بپلنگ نرسید لکن صدای تفنگ محرک او شده از جائی که پنهان شده بود بیرون جسته خواست فرار کند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سوار شده تا قدری دیگر تعاقب کردند و بیک تیر چهارپاره پلنگ مزبور را از پا درآوردند و تا بحال در این شکارگاهها بطور پلنگ بزرگ عظیم الجثه دیده نشده بود

درین اوقات رای جهان آرای همایون بر آن علاقه گرفت که شاهزادگان عظام و وزرای کرام که اسامی آنها در ذیل مسطور است هفته دو روز که روز یکشنبه و سه‌شنبه باشد در دارالشورای کبری حضور بهم رسانیده برحسب حکم همایون امور دولت رسیدگی نمایند و علاوه بر هفته دو روز هم هر زمان مهمی بهم برسد بفوریت بهم رسانند بموجب اخبار معتمدالملک که ناظم امر مشورتخانه مبارکه است حاضر شوند و فرمایشات ملوکانه را اجرا نمایند

مؤیدالدوله	ملک آرا	اعتضادالسلطنه	نصرةالدوله
مجدالدوله	وزیر امور خارجه	حشمةالدوله	نظام الملک
قوام الدوله	سپهدار	دبیرالملک	مشیرالملک
علاءالدوله	امین الملک	ذهیرالملک	حسینعلی خان

تفصیل مسافرت کاپیتان طامس لیمنت بقطب شمالی در سنه ۱۸۶۴ مسیحی ترجمه امین‌الملک محمد حسین

فصل اول شاندیت نامی از اهالی لیورپول انگلیس که از عنفوان جوانی تا پایان زندگانی عمر خود را صرف اندوختن علوم بحری و دریانوردی نموده و در بعضی کشتیها که در نزدیکی قطب شمالی بصید نهنگ اشتغال داشته سمت ناخدائی داشت پیچند در لیورپول که وطن مالوف او بود بدیدن او موریت و شغلی منزوی بود روزی کاغذی بدون مهر و امضا باین مضمون باو رسید که چهل هزار تومان برات وجه نقد لفاً در طی نوشته ارسال شد پس از ملاحظه آن ملک را تصرف در بافت نماید موافق نقشه جداگانه که در جوف پاکت بلفوف است کشتی در بهترین نجار خانها در کمال استحکام بسلیقه خود دستورالعمل داده بسازند که در اوایل بهار آینده حاضر باشد و اسم کشتی را فرقه کذارید و در اجیر نمودن ملاحان و عمله کشتی باید نهایت مواظبت و اهتمام نموده زیرا سلیقه من درباره عمله کشتی برخلاف سلیقه دیگران است اولاً جمیع عمله از اهالی انگلیس باشند لکن معیل نباشند ثانیاً در اکل و شرب افراط ننمایند مایل بمسکرات نیز نباشند ثالثاً قوی بنیه و صحیح مزاج باشند و تاب مقاومت و طاقت زحمات داشته از اندک رنجی و مختصر زحمتی ایشان را کسالت و ملالت دست ندهد از جانب من مواجب و مرسوم ایشان را پنج مقابل ملاحان سایر جهازات قرار بده علاوه پس از یکسال خدمت این مواجب و مرسوم مقرری ایشان را مضاعف خواهم نمود و پس از مراجعت ازین سفر که در نظر است یکهزار تومان بصیغه انعام بایشان مبذول خواهد شد مجدداً در حاشیه نوشته

میرزا یوسف مستوفی الممالک از وزارت اول و وزارت مالیه از بابت کبر سن استعفا نموده

استعفایش مقبول رای جهان آرای همایون افتاد

حسام السلطنه بعلاوه حکومت یزد فرمانفرمای خراسان شد حاجی سیف الدوله میرزا

بنیابت از جانب معظم الیه چندی قبل روانه خراسان گردید

محسن میرزا موافق دستخط همایون بمنصب میرآخوری سرافراز گردید

مجد الدوله بعلاوه حکومت خمسه بحکومت عربستان و بروجرد و بختیاری سرافراز شد

غلامحسین خان سپهدار بحکومت دار السلطنه قزوین منصوب شد

علاء الدوله ایشیک آقاسی باشی بعلاوه منصب معین سابق فراشباشی شد

حکومت مازندران بعهده عضد الملک مهردار موکول گردید 1

امین الملک بمنصب وزارت شاهنشاهزاده اعظم نایب السلطنه امیرکبیر و پیشکاری دار الخلافه

ناصره سرافراز شد

حکومت مملکت عراق و کمره بمعتمد الملک واگذار و مرجوع گردید

حکومت شاهرود و بسطام با مین خلوت واگذار گردید و قصبه بردین نیز که قریب بسطام است منتظری الیه

واگذار شد

اداره چاپارخانهای کل ممالک محروسه بمیرزا علیخان منشی حضور همایون تفویض شد

وزارت جنگ درین اوقات دستخطی از جانب سنی الجوانب ملوکانه بافتخار شاهنشاهزاده اعظم نایب السلطنه امیرکبیر شرف صدور یافته که درین روزنامه ثبت و مندرج میشود

خلاصه دستخط مبارک

نایب السلطنه   اینفقره را بالمشافهه بحضرة الدوله قدغن کردیم آنفرزند هم مرقوم میشود ترقی ارباب مناصب عساکر در نزد همایون ما زیاده از حد تصور مطلوبست ولکن ترقی و ترفیع رتبه و منصب و امتیازات قشونی بی صدور خدمت عمده نباید ارباب مناصب نظامیه در صدد ابراز خدمت کما ینبغی برآیند لهذا بآنفرزند امر و مقرر میفرمائیم که در آتیه در عوض و تقدم ترفیع رتبه و منصب ارباب مناصب نظامیه خدمت صادره و درجه استحقاق باید دقت شده باشد آنفرزند بجمیع رؤسای اهل قشون از نظام و غیر نظام این حکم اطلاع بدهند 2

ذیحجه ۱۲۸۷

دفترلشکر که جزئی از اداره وزیر جنگ و بعهده شخص دیگر سپرده بود درین اوقات بحضرة الدوله وزیر جنگ سپرده شد) . (چند روز قبل موکب مسعود در ارک سلطانی سان توپخانه و افواج مفصله را که در رکاب همایون متوقف طهران بودند دیدند کمال را در نهایت پاکیزگی از سان حضور مبارک گذرانیده از هر جهت و هر چیز از بابت لباس و اسلحه و اسباب و غیره مقبول و مستحسن

۳ اداده مبلغ کهزار تومان بصیغه انعام با فوج مفصله مرحمت شد

توپچیان جمعی الهویردیخان سرتیپ	فوج ۸ قراباغ جمعی یوسفخان سرتیپ	فوج طهران جمعی مصطفی قلیخان سرتیپ	فوج خرقانی قراول مخصوص آستان مبارک	فوج داودی جمعی علیشیخ خان سرتیپ

هدر روز بیست و هشتم موکب همایون تشریف فرمای قورخانه و جباخانه مبارک گشته از صنایعی که انجا بعمل آمده تماماً بنظر مبارک رسیده و مستوفی خاطر مبارک گشته در حق عمله قورخانه و جباخانه مبارکه التفات کاملانه ملوکانه ملحوظ و منظور آمد

وزارت مالیه محاسبات کل ممالک محروسه بعهده میرزا کاظم خان نظام الملک که باین منصب جلیله مسبوق بود موکول فرمودند) . (میرزا داودخان پسر مرحوم میرزا آقاخان صدر اعظم بنیابت نظام الملک در دفترخانه مبارکه سرافراز گشت

میرزا علینقی حکیم الممالک پیشخدمت خاصه همایون ناظم دفترخانه مبارکه گردیده مأمور گردید که در

محاسبات کل و معاملات دیوانی کردید

وزارت علوم در روز بیست و هشتم قبله عالم خلد الله ملکه و سلطانه محض تشویق خاطر شاگردان مدرسه مبارکه و امیدواری معلمین و رؤسا با نجا تشریف فرما گشته با طاقی هر یک از معلمین و متعلمین رفته از علم و عمل انها فرداً فرداً رسیدگی فرموده از درس هندسه و طب و مشق توپخانه و پیاده نظام و زبانهای مختلفه از فارسی و عربی و فرانسه و انگلیسی و روسی که شاگردان خوانده بودند جویا شده تماماً مورد تحسین و آفرین آمده پس از آن باطاق نقاشان رفته کارهای آنهارا یکیک ملاحظه فرمودند و کار هر یک جداگانه مطبوع طبع مبارک گشته باعتضاد السلطنه وزیر علوم امر و مقرر فرمودند چند پرده از قبیل شکارگاه همایونی و اردوی مبارک که در سفر خیریت اثر عتبات عالیات در اماکن معتبره و غیره زده شده بدقت و سعی هر چه تمامتر کشیده پس از آن بنظر مبارک برسانند هر یک که پسند خاطر مبارک افتاد میرزا علی اکبر حجار که او نیز در مدرسه مبارکه بصنعت نقاشی و حجاری مشغول است مأمور شده در کوه بیستون که مقابل نشانهات از روی آن پردها در صفحه آن سنگهای صاف بنحو خوب و پاکیزگی حجاری نماید پس از آن باطاق اطبا و فرنگیها تشریف برده مقرر فرمودند اسباب درس و اسباب فرنگی بقدریکه لازم است تحصیل نمایند و کتبی که در علم طب و غیره ترجمه شده تماماً چاپ شود

وزارت عدلیه اعظم مشیر الدوله وزیر عدلیه اعظم در مدت قلیل قواعدی جدیده که انشاء الله تعالی بجهة دولت و ملت منشأ فواید کثیره خواهد بود گذارده و در انتشار آنها بحلیه طبع رسانده است که از مطالعه آن معلوم خواهد شد که مبتنی بر عدالت و انصافست

سایر اخبار اتفاقیه بحمد الله از شب شنبه بیستم باران رحمت شروع نموده کاه بشدت و گاهی علایمیت می امد تا صبح دوشنبه بیستم و بعضی اوقات هم منقطع میشد لیکن کافی بود

بشما اظهار میشود که این سفر اگرچه طولانی و پر زحمت اما دارای فواید و نتایج کثیر المنفعه است چندی دیگر ملازم مخصوص من سکی سیاه قوی الهیکلی نزد شما خواهد آورد در پرستاری کامل و تغافل جایز ندانید که حاصل وجود آن در کشتی شما معلوم خواهد گشت من هم نزد یک با تمام و انجام کشتی نزد شما خواهم آمد که بیاری خداوند مقصود شما هم ساخته است مذکور با آنکه مجرب و مهذب نبود خوب و بد دنیا دیده و تلخ و شیرین روزگار چشیده وصول این نوشته سبب تعجب و تحیر او گشته با خود گفت که این حکم تحقیقی ست که اساسش معلوم و دسترسش مفهوم نیست بدون قانون مقرر و رسم معین چهل هزار تومان برات فرستاده اند ساختن کشتی و اجرا نمودن عمله داده در خود ملاحظه نمود دید قوت و نیروی بدنی دارد و بعلاوه عیال و اقتدار مالی ندارد و لایق انکار است لهذا بدون تامل بصرافخانه مارکوس روانه گردید در اثنای راه با خود گفت هرگاه صراف مشارالیه در نوشته جرات قبول برات این شخص مجهول الاسم را نمود معلوم است که غرض آن مزاح و مطایبه نبوده بلکه راستی و دیانت بوده با این خیال وارد صرافخانه گشته برات را اظهار کرده همان ساعت چهل هزار تومان را التسلیم او نمودند و احتمالیکه درباره حامل این نوع برات مرعی میدارند در حق وی بجای آوردند شامل اذن از آنجا بیرون رفته بکشتی سازخانه معروف موسوم بپیرکان هاون که مرغوب ترین کارخانهای لیورپول بوده رفته دستور العمل ساختن کشتی را داده و در پس از آن بهمان قرار که باو مرقوم نموده بودند مشغول اجرا نمودن عمل کشتی کردند محمد حسن

تفصیل در نمره آتیه ذکر خواهد شد

اخبار غیر رسمی
خارجه

پس از فتوحات مشهوره ناپلئون اول پادشاه فرانسه تقریباً شصت سال قبل ازین الی هفت ماه پیش ازین در کل دول فرنگستان سه جنگ بزرگ واقع شد جنگ اول پانزده سال قبل مابین دولتین عثمانی و روس در سواستاپول اتفاق افتاد و در آن جنگ دول فرانسه و انگلیس و ساردین متفقاً معاون و ناصر دولت عثمانی بودند و وقایع اتفاقیه آن جنگ مشهور است حاجت تکرار و اظهار نیست دوم دوازده سال قبل فرانسه محض اتحاد دول متخالفه ایتالیا که هر شهری شهریاری علیحده داشت و تخمیناً یک ثلث این مملکت را نیز دولت استریه تصرف نموده بود با دولت استریه جنگ نمود سوم چهار سال قبل دولتین پروس و استریه با هم نزاع نمودند و قضیه میدان جنگ سادووا روی داد که قشون جنگی پروس بر عساکر استریه غالب آمدند و نتیجه این جنگ از برای دولت پروس تصاحب بعضی از دول کوچک آلمان بود که ضمیمه دولت خود ساخت از جمله آنها ممالک ساکس و هانور و غیره بود و پادشاه پروس انضمام و اجتماع این دول مختصره را در تحت سلطنت خویش کنفدراسیون شمال آلمان یعنی اجتماع دول نام نهاد لیکن باطناً با دول باویر و باد و هس که این دول نیز جزو آلمان محسوب میشوند عهدنامه مخفیه منعقد نمود که هنگام ضرورت با عساکر جنگی خود مددکار و معاون دولت پروس باشند رجال دولت فرانسه را اقتدار و اعتبار دولت پروس بسبب قرب جوار بعضی خیالات انگیخت بارها خواستند بهانه بدست آورده با دولت پروس جنگ نمایند و او را شکست دهند تا جلال و استقلال او کاسته شود موسیو بیسمارک صدر اعظم دولت پروس که شخصی کافی و کاردان و مدبر و قابل بود مدبرانه پیشنهاد رفع بهانه دولت فرانسه مینمود و باطناً بر شوکت و قوت دولت خود می افزود و هیچگونه تغافل و تکاهل در آن کار روا نداشت در مدت چهار سال چنان در تنظیم امور و اصلاح حال جمهور کوشید که مزیدی بر آن متصور نبود و قشون جزئی پروس را چنان تربیت و چنان مستعد ساخت که ثمره و نتیجه آن این شکست بزرگ دولت فرانسه بود که شرح آن ذکر خواهد شد اما از آن طرف دولت فرانسه از فرط غرور بشوکت و قوت خود مغرور بود و اصلاً ملتفت تدابیر قویه خصم بزرگ خود نبود و قشون فرانسه که در رشادت و جلادت بی بدل بود بسبب عدم اهتمام امپراطور که اغلب اوقات خود را صرف حفظ شخص خود مینمود و تن پرور و بی تربیت شده بود بعلاوه در ممالک داخله فرانسه درین اواخر نهایت آشوب و اغتشاش ظاهر بود من جمله سه سال قبل ازین جنگ بزرگ بجهة فتنه جوئی جمهوری طلبان و شرارت فطری دشمنان خائن اهالی ملت و عامه رعیت سر از اطاعت و انقیاد ناپلیون سیم امپراطور فرانسه پیچیده ارادت و اتحاد دوستی کاسته بمخالفت باطنی برخاستند این شورش مخفیه مزید علل سابقه گشت بلی مبرهن است که بهترین رعایای مملکت و تربیت یافته ترین اهالی ملت آنها هستند که پادشاه را در بدن مملکت بمنزله جان دانند و اطاعت و طاعت او را واجب شمارند اتفاق این دولت قویه بنفاق بدل شد و ایتلاف باختلاف با وجود این مصایب غیرت ملت فرانسه در تزاید بود که چرا دولت پروس را که با ایشان قرب جوار است این اقتدار دست داد ناپلیون سیم هم که از یکطرف آشوب داخله مملکت و از طرفی میل و طلب ملت را در جنگ با پروس ملاحظه نمود صرفه بقای دولت و قوام سلطنت خود را در آن دید که اعلام جنگ نماید باین امید که اگر مظفر و منصور گردد سالها سلطنت فرانسه در طایفه او مسلم و برقرار خواهد بود و اگر مغلوب و منکوب گشت کار یکطرفی شده از آشوب داخله و شرارت جمهوری طلبان مملکت آسوده گردیده باین تصورات و تخیلات هفت ماه قبل در اواسط تابستان بهانه مختصری بدست آورده به پروس اعلام جنگ نمود تفصیل بهانه آنکه مملکت فرانسه از سمت شرقی محدود است برود رین که سرحد آلمان است و از طرف جنوب متصل بمملکت اسپانیول اهالی اسپانیول سه سال قبل بواسطه نفاری که با ایزابل ملکه خود بهم رسانیده بودند او را از سلطنت خلع و جلای وطن داده و اعلان دولت موقتی نموده اند پرانو نامی را که از نجبا و بزرگزادگان مملکت بود بنیابت سلطنت برگزیدند جنرال پریم را که مرد دولت و مطرود ملکه سابقه بود وزیر جنگ و سپهسالار کل نمودند قریب دو سال و نیم امر اسپانیول باین حالت باقی بود در عوض آنکه انتظامی در امور دولت روی دهد روز بروز از شوکت او میکاهید زیرا که شخص مملکت را پادشاه بمنزله سر و نور بصر است از بدن بی سر و بی بصر چه آید ملت و دولت بی پادشاه همان حالت دارد علی الجمله درین سال گذشته بعضی از رجال دولت که محرک جمهوری بودند بواسطه رفع آشوب و اغتشاش و رفع مسئولیت از شخص خود صلاح کار درین دیدند که پادشاهی در مملکت تعیین نمایند پس از انتشار این اخبار جمعی داوطلب این امر خطیر شدند از آنجمله دون کارلوس که از شاهزادگان خاندان قدیم اسپانیول بود و دوک دومونپانسیه که پسر لوئی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه و شوهر همشیره ایزابل ملکه سابق بود قدم پیش نهادند رجال دولت اسپانیول ببعضی ملاحظات بسلطنت هیچکدام تن در ندادند و سه ماه بعد آخر قرعه سلطنت بنام یکی از شاهزادگان هوهنزولرن که از شاهزادگان آلمان و منسوب پادشاه پروس بود افتاد جنرال پریم باطناً با موسیو بیسمارک صدر اعظم این قرار داده بود و موسیو بندتی سفیر دولت فرانسه مأمور دربار دولت پروس این تفصیل را بعرض ناپلیون سیم رسانید امپراطور فرانسه که طالب بهانه و مترصد فرصت بود سفیر مذکور را مأمور ساخت که در صدد رفع و منع این قضیه برآید موسیو بندتی چند مجلس با موسیو بیسمارک صدر اعظم ملاقات و طرح مقالات نموده

۳

جوابی مطابق مصلحت دولت خود نیافت لابد بشهر امس که پادشاه
پروس محض تفرج و تغییر هوا آنجا رفته بود رفته مطالب خود را بدون واسطه
شفاها معروض داشت جواب پادشاه پروس این بود که من شاهزاده
هوانزولرن را منع از قبول کردن تاج و تخت اسپانیول نمیکنم اما چنان که
من بعد هم او در صدد سلطنت اسپانیول بر نیاید مسیو بندلی این جواب را
بواسطه تلگراف بپاریس اخبار نمود از طرف رجال دولت فرانسه
ابرام و اهتمام در تعهد و ضمانت پادشاه پروس این بود که تعهد
شاهزاده مذکور در خیال سلطنت نباشد مجدد مسیو بندلی در مجلس ثانی
در باغی که هر عصر پادشاه تفرج و سیر مینمود در رفته صورت جوابی که از
پاریس باو اعلام و اعلان شده بود معروض داشت پادشاه
پروس جوابی بمشارالیه نداد و از خیال تفرج منصرف گشته معاودت
بمنزل نمود سفیر فرانسه این رفتار را نوعی از بی احترامی نسبت بخود
که سفیر دولت فرانسه بود دانسته از امس ببرلین مراجعت نمود
تفصیل را هم بواسطه یکی از نواب سفارت خود و هم بواسطه تلگراف
بپاریس اخبار داد انتشار این اخبار در پاریس سبب هیجان
غیرت فرانسها گردید از همه طرف اهالی پاریس فریاد بر می آوردند
که هنگام جنگ و شستن عار و ننگ است
تفصیل بقیه جنگ در روزنامه آینده

محمد حسین

اخبار تلگرافی

داخله

اصفهان الحمد لله روز چهارم و روز پنجم محرم بارانی در اصفهان آمده است
تبریز این چند روزه بقدر کفایت باران آمده و می آید شب سیم باران
و باد بقدری بود که چادرهای اردو را خوابانیده است
زنجان از روز جمعه دوم تا صبح یکشنبه چهارم لاینقطع باران رحمت می آمد
شیراز از شب چهارم محرم بارانی شروع کرده تا روز پنجم آمده
و گاهی منقطع میشده است
قزوین شب پنجم تا عصر روز پنجم بشدت باران نازل بوده است
کاشان شب پنجم قدری باران آمده است

مسائل علمیه

از آنجا که تاکنون بسیاری از مسائل علمیه برای بعضی از دانشمندان پوشیده بود
همواره بر عقاید سست متقدمین باقی بودند لازم شد که برای ترقی ملت و استحضار اهل فضل
از علوم مشهوره مجهولة القدر پیوسته مسائل مختلفه بدیعه نوشته شده در روزنامه مندرج
گردد لهذا پس از این تاریخ در هر یک از روزنامهها چند فصل از مسائل علمیه بطبع خواهد رسید

فصل اول در مسائل تشریحیه

برای شروع در مسائل تشریحیه که فی الحقیقه بنای علم طب بطرف آنها استوار است تاریخ
انکشاف گردش خون را در این بیان نمود پس گفته میشود که این علم برای پیشینیان
مجهول بود و بتدریج این مسئله آشکار شده و باهتمام اشخاص بسیار انتشار
یافت چنانکه ابقراط حکیم معتقد بود که در شرائین هیچ خون نیست
بلکه روح محض است گمان میکرد هر دو ریه هوا را از پی عمل نحو کشیده
و از قصبة الریه و شریان وریدی میبرد و از آنجا ببطن چپ قلب در
آمده بشرایین رسیده و شریانها آن هوا را بهمه اعضا میرسانیدند
و عقیده او برین بود که تنفس برای پر شدن شریانها از هواست
بروزگار دیرین بنیاد گردش خون را بدو گونه میدانستند نخست بنیاد
شریانی یا هوائی دوم بنیاد وریدی یا خونی لیکن اکنون ثابت
و مبرهن است که بنیاد گردش خون یکیست چنانکه در روزنامههای آینده
تفصیل این مسئله و ادله آن گفته خواهد شد

فصل دوم در معرفت سموم

چون مسموم شدن از تریاک کثیر الوقوع تر است لهذا لازم است که علامات
تشخیص و معالجات را که بآزمایش بسیار اطبای دانشمند یافته اند
در اینجا بیان کنیم تریاک و بنگ و جوهر بادام تلخ و هرچه دارای این
گوهر باشد یعنی همه هستهای تلخ چون هسته هلو و آلو و آلبالو و زردالو
و برگ این درختها و غیرهم مخدرند و علامات و معالجات
آنها شبیه بیکدیگر میباشند

علامات

چون یکی از این زهرها بمعده اندر شود یا اگر آنها را بروی زخمی بگذارند نشانهای مفصله پدیدار
میگردد سستی و تخدیر بدن و سنگینی سر و انقلاب و درد و رنگ نخست اندک و پس از آن
بسیار میشود و رنجورها مانند مستان شده نگاه و حرکت ایشان در هم و چشمش گشاده گردیده
سخنان بیهوده میگویند یا خشمناک آغاز میکنند و گاهی برخی از بیمارها چون اورا
در دو تشنج سخت یا اندک پیدا شده ساقها سست و نفس مختلف در آغاز
رنجوری اغلب ممتلی و قوی میگردد و رنجور بقی مبتلا میشود و بخصوص چون
زهر مزبور بروی زخمی مانند حقنه استعمال شده باشد پس از بروز تشنج درماندگی و ناتوانی
مسموم افزوده شده اگر بیچاره آن نکوشند بزودی هلاک میشود و تریاکی دلدانه و پوست
خشخاش که نزد اطبا بسیار مستعمل اند که یا زیاد مخدر و گاهی باعث بروز آثار سمیه اند
علاج زهرهای مذکوره پس از این نوشته میشود علی الخصوص تریاک

فصل سیم در فیزیولوژی که عبارتست از اعمال طبیعیه بدن

حرارت غریزیه مسئله حرارت غریزیه و جبلیه از زمان ابقراط معنون
شده و مقبول جالینوس و در تمام اعصار و امصار و مدارس علمیه از آن گفتگو
بوده و اقوال مختلفه و عقاید بسیار شده در خصوص حقیقت و منشاء و مستودع آن بیان
میشد و چیزیکه حکما و علما در آن متحد القول بودند این بود که منشاء حرارت غریزیه قلبست
لکن تا این اوقات متاخره سبب حصول حرارت و چگونگی ظهور آتش در بدن و مستودع حقیقی
این آتش و اجسام و اجزاء معینه لازمه برای احتراق و پیدا شدن حرارت را
نیافته بودند و هر کسی را توهمی مخصوص بود تا آنکه در سال هزار
و هفتصد و هفتاد و هفت مسیحی لوازیه که مبدع علوم طبیعیه بود
حقیقت این مسئله را آشکار نمود و پس از او گروهی دیگر از مشاهیر
طبیعیون و اهل شیمیا این علم را مبسوط تر و کاملتر نمودند چنانکه حقیقت این مسئله
بتدریج شرح داده میشود

ترجمه میرزا تقی کاشانی

[illegible]

۴